

Original Paper **The allegorical position of the wolf in a small analysis of contemporary Persian poetry (Akhwan, Moshiri, Farrokhzad and Nima)**

Fazel Abbaszadeh^{*1}, Fariba Imanzadeh²

Abstract

Contemporary Persian poetry, as an artistic domain, delves deeper into symbols and complex allegories. The allegory of the “wolf,” symbolizing power, violence, and the connection between humans and nature, is presented in various forms across different poems. Analyzing this allegory can provide new insights into the social and cultural concerns of poets. The aim of this article is to analyze the allegory of the “wolf” in the works of selected contemporary Persian poets. By focusing on the various semantic and cultural dimensions of this allegory, the study seeks to investigate its role in reflecting social and psychological issues in today’s poetry. The necessity of this research arises from the recent social and cultural transformations in Iran and their impact on literature; studying prevalent allegories in contemporary poetry will help achieve a better understanding of the hidden discourses and social consciousness of poets. Consequently, this research can pave the way for further studies in the field of allegory in Persian literature. The methodology of this research is analytical-descriptive. By selecting works from contemporary poets such as Akhavan Sales, Fereydoon Moshiri, Forough Farrokhzad, and Nima Yoshij, the allegory of the “wolf” is explored from various semantic angles. Textual analysis, as the primary method of this research, allows for a deeper understanding of the relationship between this allegory and its social, cultural, and psychological contexts. This article aims to offer novel and credible perspectives on the understanding of contemporary Persian poetry, considering various interpretations of the “wolf” allegory.

Key words: Allegory, Wolf, Persian contemporary poetry, Akhwan, Moshiri, Farrokhzad and Nima Yoshij

1- Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Parsabad Moghan Branch, Parsabad Moghan- Iran. fazil.abbaszade@gmail.com

2- Master of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Parsabad Moghan Branch, Parsabad Moghan- Iran. frybaaymanzadh4@gmail.com

Please cite this article as (APA): Abbaszadeh, Fazel, Imanzadeh, Fariba. (2024). The allegorical position of the wolf in a small analysis of contemporary Persian poetry (Akhwan, Moshiri, Farrokhzad and Nima). *Journal of Pedagogic and Lyric in Persian Language and Literature*, 16(62), 24-47.



Creative Commons: CC BY-SA 4.0



Publisher: Islamic Azad University Bushehr Branch / No. 62/ Winter 2025

Receive Date: 28-08-2024

Accept Date: 15-01-2025

First Publish Date: 15-01-2025

مقاله پژوهشی | تحلیل جایگاه تمثیلی گرگ در مقیاس کوچکی از شعر

معاصر فارسی (اخوان، مشیری، فرخ زاد و نیما)

فاضل عباس زاده^{۱*}، فریبا ایمانزاده^۲

چکیده

شعر معاصر فارسی به عنوان یک عرصه هنری، به بررسی عمیق‌تر سمبل‌ها و تمثیل‌های پیچیده پرداخته است. تمثیل «گرگ» به عنوان نمادی از قدرت، خشونت و ارتباط انسان با طبیعت، در اشعار مختلف به شکل‌های گوناگون معرفی شده و بررسی آن می‌تواند بینش‌های جدیدی درباره‌ی دغدغه‌های اجتماعی و فرهنگی شاعران ایجاد کند، هدف از نگارش این مقاله تحلیل تمثیلی «گرگ» در آثار منتخب شاعران معاصر فارسی است. با تمرکز بر ابعاد مختلف معنایی و فرهنگی این تمثیل، به دنبال بررسی نقش آن در بازتاب مسائل اجتماعی و روان‌شناختی در شعر امروزام است. ضرورت نگارش تحقیق حاضر با توجه به تحولات اجتماعی و فرهنگی اخیر در ایران و تأثیر آن بر ادبیات، مطالعه‌ی تمثیل‌های رایج در شعر معاصر، کمک می‌کند تا درک بهتری از گفتمان‌های پنهان و آگاهی اجتماعی شاعران به دست بیاید، بنابراین پژوهش حاضر می‌تواند زمینه‌ساز مطالعات بیشتر در حوزه‌ی تمثیل در ادبیات فارسی باشد، روش این تحقیق به شیوه‌ی تحلیلی-توصیفی انجام شده است. با انتخاب نمونه‌هایی از اشعار شاعران معاصر مانند؛ اخوان ثالث، فریدون مشیری، فروغ فرخزاد و نیما یوشیج، تمثیل «گرگ» از زوایای مختلف معنایی بررسی شده است. تحلیل متن، به عنوان روش اصلی تحقیق، این امکان را می‌دهد که ارتباط این تمثیل با زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و روان‌شناختی بهتر درک شود. این مقاله با در نظر گرفتن تفاسیر مختلف از تمثیل «گرگ» سعی در ارائه‌ی چشم‌اندازهای نوین و معتبر در فهم شعر معاصر فارسی دارد.

واژگان کلیدی: تمثیل، گرگ، شعر معاصر فارسی، اخوان، مشیری، فرخزاد و نیما یوشیج.

۱-استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد پارس آباد مغان، پارس آباد مغان- ایران.

fazil.abbaszade@gmail.com

۲-کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد پارس آباد مغان، پارس آباد مغان- ایران.

frybaaymanzadh4@gmail.com

لطفاً به این مقاله استناد کنید: عباس زاده، فاضل، ایمانزاده، فریبا. (۱۴۰۳). تحلیل جایگاه تمثیلی گرگ در مقیاس کوچکی از شعر معاصر فارسی (اخوان، مشیری، فرخ زاد و نیما). *تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی*. (۶۲)، ۱۶-۲۴.



حق مؤلف © نویسندگان.



ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر / شماره شصت و دوم / زمستان ۱۴۰۳ / از صفحه ۲۴-۴۷.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۶ تاریخ انتشار بر روی اینترنت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۶

مقدمه

شعر معاصر فارسی به عنوان یکی از غنی‌ترین عرصه‌های ادبی، نمایانگر تحولات عمیق اجتماعی و فرهنگی در ایران است. شاعران این دوره، با استفاده از تصاویر و تمثیل‌های مختلف، دنیای درونی و بیرونی خود را به تصویر کشیده و به بیان احساسات و دغدغه‌های خویش پرداخته‌اند. تمثیل‌ها در ادبیات معاصر فارسی به عنوان ابزارهای قدرتمند برای بیان پیچیدگی‌های انسانی و اجتماعی شناخته شده است. در میان این تمثیل‌ها، «گرگ» به عنوان یک نماد پرچالش و چندوجهی، در اشعار شاعران معاصر فارسی‌زبان نظیر؛ مهدی اخوان ثالث، فروغ فرخزاد، فریدون مشیری و نیما یوشیج، نقش ویژه‌ای ایفا می‌کند. این تمثیل با بار معنایی و احساسی خاص خود، به شاعران اجازه می‌دهد تا مضامین عمیق و متنوعی را در قالبی رمزی و تمثیلی به تصویر بکشند. گرگ به عنوان تمثیل می‌تواند تمثیلی از کشمکش‌های انسانی، زیبایی و استقامت در برابر موانع باشد و به تحلیل و تفسیر عمیق‌تری از اندیشه‌های این شاعران کمک کند، تحلیل جایگاه تمثیلی گرگ در شعر این شاعران نه تنها به درک عمیق‌تری از مضامین و پیام‌های ادبی آنها منجر می‌شود، بلکه روابط میان این تمثیل و شرایط اجتماعی، فرهنگی و تاریخی زمان را نیز بررسی می‌کند. به عنوان مثال، می‌توان مشاهده کرد که چگونه گرگ در شعر نیما به عنوان تمثیلی از نوآوری و تغییر در ادبیات معاصر نمود پیدا می‌کند. در حالی که در آثار اخوان به عواطف و چالش‌های انسانی مرتبط است و مشیری آن را به عنوان تمثیلی از زیبایی و حس درونی معرفی می‌کند. این مقاله به تحلیل جایگاه تمثیلی گرگ در اشعار این چهار شاعر معاصر پرداخته و تلاش می‌کند تا نحوه استفاده و تغییرات معنایی این نماد را در آثار آنان مورد بررسی قرار دهد. با تحلیل دقیق‌تر، می‌توان به درک عمیق‌تری از چگونگی بهره‌گیری از گرگ به عنوان نمادی چندوجهی در ادبیات معاصر فارسی رسید و تأثیرات آن بر خوانندگان و تحلیل‌های اجتماعی، روان‌شناختی و فرهنگی را مورد بررسی قرار داد. این مقاله به تحلیل و بررسی جایگاه تمثیل در آثار این شاعران پرداخته با بررسی نمونه‌هایی از اشعارشان، نشان داده است؛ چگونه تمثیل به عنوان یک ابزار بیانی نه تنها به غنای شعر آن‌ها می‌افزاید بلکه به تفسیر و فهم عمیق‌تر مضامین اجتماعی و انسانی نیز کمک می‌کند. این تحلیل می‌تواند به درک بهتر از تعاملات انسانی و تجارب اجتماعی منجر شود و نشان دهد که چگونه شاعران معاصر با استفاده از تمثیل، به تجلی احساسات و ایده‌ها پرداختند، با نگاهی به یادگارهای این شاعران، به بررسی مفاهیم تمثیلی در شعر آن‌ها، فرصتی برای درک عمیق‌تر از جغرافیای ذهن و احساسات انسانی فراهم آورد و به تبیین جایگاه ادبیات معاصر فارسی کمک کند.

بیان مسئله

شعر معاصر فارسی طی نیمه دوم قرن بیستم تحولات بسیاری را تجربه کرده و شعرای بزرگی در این دوره ظهور کرده‌اند که هر یک با نگاهی منحصر به فرد به مسائل انسانی، اجتماعی و فرهنگی پرداخته‌اند. یکی از ابعاد مهم و پرکاربرد در شعر معاصر، استفاده از تمثیلات حیوانی است که به دلایل مختلفی نظیر بیان غیرمستقیم مفاهیم پیچیده، ایجاد تصویرهای ملموس و برانگیختن احساسات عمیق در خواننده به کار می‌روند. گرگ در شعر معاصر یکی از این تمثیلات است که به دلیل ویژگی‌های خاص خود چون خشونت، خودکفایی، طبیعت وحشی، تنهایی و حتی خیانت، مورد استفاده شاعران قرار گرفته است. گرگ به عنوان تمثیلی که می‌تواند معانی متعددی را حمل کند، در اشعار اخوان ثالث، فریدون مشیری، فروغ فرخزاد و نیما یوشیج به وفور دیده می‌شود، اما هر کدام از این شاعران بر اساس نگرش و دغدغه‌های خود، این تمثیل را به شیوه‌های متفاوتی به کار برده‌اند. اخوان ثالث با زبانی تاریک و ناامیدانه، گرگ را تمثیلی از خشونت زمانه و بی‌عدالتی اجتماعی می‌داند. در مقابل، مشیری با نگاهی لطیف‌تر، گرگ را نمایانگر تنهایی و مبارزه فردی می‌بیند. فروغ فرخزاد به نقد روابط انسانی می‌پردازد و گرگ در اشعارش تمثیل پیچیدگی و تلخی‌های روابط انسانی است. نیما یوشیج به گرگ با نگاهی فلسفی و انتزاعی‌تر می‌پردازد، جایی که گرگ تمثیلی از طبیعت وحشی و غرایز اولیه انسان است. این تفاوت‌های تفسیری و کاربردی از تمثیل گرگ در اشعار این چهار شاعر برجسته معاصر، ضرورت مطالعات دقیق‌تر و تحلیلی عمیق‌تر را به وجود می‌آورد. بررسی این تفاوت‌ها می‌تواند علاوه بر روشن ساختن دنیای تمثیلی هر کدام از این شاعران، به درک بهتر دیدگاه‌ها و مضامین عمده‌ای که آنان در پی بیان آن بوده‌اند، نیز کمک کند. این تحلیل نهایتاً می‌تواند به ما بینشی جدید و کامل‌تر از جایگاه تمثیل‌های حیوانی در شعر معاصر و نحوه استفاده از آن‌ها برای انتقال مفاهیم پیچیده انسانی و اجتماعی ارائه دهد.

سوالات تحقیق

تحلیل جایگاه تمثیلی گرگ در شعر معاصر فارسی سوالاتی را در ذهن پژوهشگران به وجود می‌آورد؛ که شامل پرسش اصلی و فرعی است و در زیر به همان سوالات اشاره می‌شود.

پرسش اصلی پژوهش:

۱. چگونه گرگ به عنوان یک تمثیل در اشعار معاصر فارسی، به ویژه آثار اخوان ثالث، فریدون مشیری، فروغ فرخزاد و نیما یوشیج، مورد استفاده قرار گرفته و این تمثیل گرایبی چه تأثیری در بیان موضوعات اجتماعی، فردی و روانشناختی شعرهای این شاعران دارد؟

پرسش‌های فرعی پژوهش

۱. چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در کاربرد تمثیل گرگ در اشعار اخوان ثالث، فریدون مشیری، فروغ فرخزاد و نیما یوشیج وجود دارد و هر کدام از این شاعران به چه شیوه‌هایی از این نماد استفاده کرده‌اند؟

۲. تمثیل گرگ در اشعار این شاعران چگونه به مسائل اجتماعی و سیاسی زمانه‌ی آن‌ها اشاره دارد و چه پیام‌هایی را در این زمینه منتقل می‌کند؟

۳. چگونه تمثیل گرگ در اشعار این شاعران بیانگر مفاهیم روانشناختی و ویژگی‌های شخصیتی آنان است و این مفاهیم چه نقش‌هایی در تحلیل و فهم عمق اشعار ایفا می‌کنند؟

فرضیه‌های پژوهش

۱. فرضیه مربوط به شباهت‌ها و تفاوت‌ها در کاربرد تمثیلی از گرگ، در تحلیل اشعار اخوان ثالث، فریدون مشیری، فروغ فرخزاد و نیما یوشیج نشان می‌دهد که هر کدام از این شاعران از گرگ به شیوه‌های منحصر به فردی استفاده کرده‌اند.

۲. در فرضیه مربوط به استفاده از تمثیل گرگ در مسائل اجتماعی و سیاسی احتمالاً گرگ در اشعار این شاعران به مسائل مختلف اجتماعی و سیاسی زمانه‌ی آن‌ها اشاره دارد.

۳. فرضیه سوم هم مربوط به مفاهیم روانشناختی و شخصیتی تمثیل گرگ در اشعار شاعران مذکور بیانگر مفاهیم عمیق روانشناختی و ویژگی‌های شخصیتی آنان است.

اهداف تحقیق

هدف این تحقیق، ارائه یک تحلیل جامع از تمثیل گرگ و بررسی کاربردها و معانی آن در شعر معاصر فارسی است. پژوهشگران با تمرکز بر آثار نیما، اخوان، مشیری و فرخزاد، ابعاد مختلف این تمثیل را بررسی کرده و به روشن‌گری روابط آن با زبان، فرم و محتوای شعر معاصر پرداخته‌اند.

ضرورت و اهمیت تحقیق

ضرورت و اهمیت تحقیق حاضر باعث فهم دقیق‌تر از نحوه استفاده و تفسیر تمثیل گرگ می‌تواند به درک بهتر از شرایط اجتماعی و فرهنگی دوران معاصر ایران منجر شود. این پژوهش می‌تواند علاوه بر غنای ادبی، به تحلیل وضعیت جامعه و انتقال دیدگاه‌های اجتماعی و فردی شاعران کمک کند. ضرورت این مطالعه در روشن کردن ابعاد کمتر شناخته‌شده این تمثیل و برجسته‌سازی نقش آن در گفتمان ادبی ایران نهفته است، به طوری که می‌تواند به همچنین پژوهش‌های آتی در حوزه شعر معاصر و تحلیل تمثیل‌ها کمک کند.

پیشینه پژوهش

پیرامون تمثیل در اشعار شاعران معاصر پژوهش‌های صورت گرفته است؛ ولی کاستی‌هایی هم در این مبحث وجود دارد؛ زیرا تاکنون پژوهشی با عنوان تحلیل جایگاه تمثیلی گرگ در مقیاس کوچکی از شعر معاصر فارسی (اخوان. مشیری. فرخ زاد و نیما)، به صورت مستقل نوشته نشده است، از این رو تحقیق حاضر جهت رفع کاستی‌های هر چند اندک در این حیطه تأثیر گذار است. نگارندگان پژوهش حاضر به مقالاتی که حداقل در محتوا و یا چند کلید واژه به این مقاله نزدیک است، اشاره کرده اند: محمد نژاد عالی زمینی و همکاران (۱۴۰۱)، در پژوهشی با عنوان جایگاه و نقش گرگ در شاهنامه، به تحقیق در این زمینه پرداخته اند، این پژوهش در نشریه متن پژوهی ادبی دوره ۲۹ شماره ۹۱ چاپ شده است. مطوری و پاکدل (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای با عنوان نگاهی به تمثیل در شعر نیما، اخوان و سهراب، به بررسی کاربرد تمثیل در اشعار این شاعران پرداخته اند که در فصلنامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۸ به چاپ رسیده است. همچنین فروغی و پرچمی (۱۳۹۷)، در پژوهشی با عنوان نفی بندگی و ستایش آزادگی در مرگ گرگ نوشته وین‌یی و سگ‌ها و گرگ‌ها اثر اخوان ثالث، پژوهش تحلیلی تطبیقی بوده که در نشریه پژوهشی ادبیات معاصر جهان، دوره ۲۲ شماره ۲ به چاپ رسیده است. در نهایت رضایی و شادمیان (۱۳۸۸)، در تحقیقی به بررسی نقش گرگ در منظومه‌های حماسی ایران، پرداخته اند که در نشریه دانشکده ادبیات علوم انسانی دانشگاه تبریز دوره ۵۲، شماره ۲۱۱ به چاپ رسیده است.

روش تحقیق

روش تحقیق مقاله حاضر تجزیه و تحلیل محتوای اشعار مربوط به چهار شاعر مذکور به شیوه کتابخانه ای و روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است، به این صورت که اشعار این شاعران برای شناسایی واژه ها و نشانه های مربوط به گرگ بررسی شد. همچنین در مقاله حاضر نتایجی از تحلیل های صورت گرفته، استخراج شد و در مورد اهمیت تمثیل گرگ در ادبیات معاصر فارسی بررسی هایی انجام گرفته شد و درباره کارکردهای روانشناختی و اجتماعی این تمثیل در اشعار اخوان، فروغ فرخزاد، مشیری و نیما یوشیج نتایجی ارائه گردید.

شیوه گردآوری تحقیق

تحقیق حاضر با مطالعه کتب، مقالات و پایان نامه های مرتبط با موضوع مقاله حاضر صورت صورت گرفته است. همچنین به تحلیل اشعار مربوط به تمثیل «گرگ» در متون شعری اخوان ثالث، فریدون مشیری، فروغ فرخزاد و نیما یوشیج پرداخته شده است.

بحث و بررسی

تمثیل

تمثیل ها به عنوان ابزارهای داستان گویی برای جذب مخاطب و انتقال پیام های عمیق به کار می روند؛ بنابراین تمثیلات، داستان ها و مثال هایی هستند که برای انتقال یک مفهوم یا پیام خاص به کار می روند. این نوع ادبیات می تواند به شکل های مختلفی از جمله حماسه، داستان های کوتاه یا شعر باشد. «تمثیل، شکلی از بیان است که در حوزه های مختلف ادبی، هنری، منطقی، خطابه و حتی در بیان روزمره کاربرد دارد. بنابراین پیش از آنکه یک اصطلاح ادبی باشد شکلی از استدلال است که زبان برای اقناع توضیح قاب بندی تجسم و عینیت بخشی و حتی پنهان کاری از آن استفاده می کند» (عباس زاده و حبیبی، ۱۳۹۹: ۹۳). هدف اصلی تمثیل، انتقال پیام یا معنایی عمیق تر از طریق استفاده از تمثیلات و استعاره ها است که به مخاطب کمک می کند تا مفاهیم پیچیده را به شکلی قابل فهم تر درک کند، بنابراین تمثیل، نوعی بیان هنری است که از طریق داستان یا مثال، مفاهیم عمیق تر یا آموزنده تری را منتقل می کند. «تمثیل به بیان غیر مستقیمی اطلاق می شود که پایه آن را تشبیه تشکیل می دهد» (مطوری و پاکدل، ۱۳۹۸: ۹). داستان های تمثیلی با استفاده از شخصیت ها و موقعیت های مختلف، پیامی را به شکل غیرمستقیم و دلنشین منتقل می کنند در بسیاری از موارد، تمثیل شامل چندین تشبیه است.

هر تشبیه به تقویت و توضیح شعاری یا مفهومی انتزاعی کمک می‌کند؛ زیرا «تمثیل هم حاصل یک ارتباط دوگانه بین مشبه و مشبه به ممثل است. در تمثیل هم اصل بر این است که فقط مشبه به ذکر شود و از آن متوجه مشبه شویم، اما گاهی ممکن است مشبه به هم ذکر شود» (شمیسا، ۱۳۷۳: ۱۰۵). بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که تمثیل و تشبیه هر دو ابزارهای قدرتمندی برای بیان مفاهیم و انتقال پیام‌ها در ادبیات و هنر هستند، هرچند که ساختار و کاربرد آن‌ها متفاوت است. «تمثیل شاخه‌ای از تشبیه است و از همین رهگذر است که عنوان تشبیه تمثیلی هم در کتابهای بلاغت فراوان دیده می‌شود» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۱۸۸). بنابراین تمثیل نوعی ابزار ادبی است که در آن یک مفهوم یا ایده از طریق داستان، شخصیت‌ها، یا حوادث به شکلی نمادین به تصویر کشیده می‌شود، برای همین برخی از نویسندگان تمثیل را به استعاره‌ای مانند کرده‌اند «که شبیه به مثال است، چنانکه شاعر به معنایی اشاره می‌کند، لفظی چند که دلالت بر معنی دیگر می‌کند، بیاورد و آن را مثال معنی مقصود سازد، و از معنی خویش بدان مثال عبارت کند و این صنعت خوشتر از استعاره مجرد باشد» (رادفر، ۱۳۶۸: ۴۱۴). از این رو می‌توان چنین بیان کرد که نویسندگان و شاعران از طریق تمثیل می‌توانند به بیان خوانایی دست یابند که همزمان هم سرگرم‌کننده و هم آموزنده باشد، به مخاطب امکان دهد تا به‌طور عمیق‌تر درباره مسائل تفکر کند و به بینشی کلان‌تر دست یابد. «در حوزه ادبی آرایش سخن با مثل واره را گاه تمثیل یا مثل‌سازی خوانده‌اند. به عبارت دیگر، هرگاه شاعری در بیتی از شعرش سخنی نغز و نیکو بیاورد که شاید داستان و مثل‌زبانزد مردم گردد؛ به آن تمثیل یا مثل‌سازی گویند» (راستگو، ۱۳۸۲: ۲۸۸). در مجموع، تمثیل‌ها به شاعران معاصر فارسی زبان این امکان را می‌دهند که مضامین و ایده‌های خود را به شکلی عمیق‌تر و چندبعدی به مخاطب منتقل کنند، طبق آنچه که در مورد تمثیل بیان شد، بنابراین می‌توان چنین اظهار کرد: «تمثیل ترفندی زیبا و سخنی حکیمانه است. این تکنیک بیانی هم خیال‌انگیز است و هم جنبه استدلالی دارد و معمولاً مفاهیم ذهنی را عینیت می‌بخشد» (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۹: ۱۵۱).

کاربردهای تمثیل

تمثیل، یا داستان‌های کوتاه و آموزنده که از آن‌ها درس‌های اخلاقی یا فلسفی استخراج می‌شود، در ادبیات فارسی کاربردهای زیادی دارد. تمثیل‌ها به عنوان ابزارهای چندبعدی، در ابعاد مختلف زندگی انسان‌ها کاربرد دارند و می‌توانند تأثیرات مهمی بر روی تفکر، آموزش، و فرهنگ داشته باشند. تمثیل را از نظر محتوا می‌توان به انواع تمثیل اخلاقی، تمثیل سیاسی-تاریخی، تمثیل اندیشه، تمثیل رمزی

و تمثیل رویا تقسیم کرد. در تمثیل اخلاقی درون مایه بر تصویر غلبه دارد و معمولاً یک حقیقت اخلاقی بیان می شود و سپس با سلسله ای از تمثیل ها به تجسم در می آید. مانند حکایت های اخلاقی بوستان و گلستان و کلیله و دمنه و غیره» (ملکی و همکاران، ۱۳۹۹: ۸۱). در این زمینه می توان گفت تمثیل ها معمولاً برای آموزش اصول اخلاقی و رفتاری به کار می روند. داستان های کوتاه و ساده ای که با شخصیت های مختلف، اغلب حیوانات، روایت می شوند، مفاهیم اخلاقی را به شیوه ای قابل فهم و قابل یادآوری به مخاطب منتقل می کنند. «نوع دیگر کاربرد تمثیل، تمثیل سیاسی- تاریخی است که در آن اشخاص و رویدادهای قصه به جای آدم های واقعی و تاریخی می نشینند و به شکل تمثیلی آنها را نشان می دهند. مثل موش و گربه ی عبید زاکانی یا مزرعه ی حیوانات جورج اورول و داستان های دیگر در این زمینه» (همان). در این تمثیل ها به نقد مسائل اجتماعی و سیاسی پرداخته و مشکلات جامعه را به شیوه ای غیرمستقیم و با استفاده از داستان های نمادین به تصویر می کشند. این روش به نویسندگان این امکان را می دهد که بدون برخورد مستقیم با قدرت ها، انتقادات خود را ابراز کنند. تمثیل ها با ارائه داستان هایی که ممکن است ظاهر ساده ای داشته باشند، موجب برانگیختن تفکر و تحلیل عمیق تر می شوند. این ویژگی به خوانندگان کمک می کند تا مفاهیم پیچیده تر را به شکلی ساده و ملموس درک کنند. «در سومین نوع، تمثیل اندیشه ای خاص در قالب قصه به خواننده منتقل شده و تمثیل اندیشه نامیده می شود. در این نوع تمثیل صورت عیناً با درون مایه منطبق است و درون مایه نکته ای فکری مذهبی یا فلسفی را بیان می کند که از راه قیاس با صورت قصه کشف می شود. تمثیل های فلسفی و مذهبی در آثار سنایی، عطار، مولوی و سهروردی از این نوع به شمار می آیند» (رضازاده و شاهرودی، ۱۳۹۱: ۶۲). نوع دیگری از تمثیل، تمثیل رمزی است که یک نوع ادبیات یا روش بیان است که در آن از نمادها و نشانه ها برای انتقال مفاهیم عمیق تر یا خیالی استفاده می شود. در این نوع بیان، داستان یا تصویر سطوح مختلفی از معنا را در خود جای می دهد، به طوری که بخشی از آن نمایان و بخشی دیگر پنهان است. «در این نوع تمثیل گوینده با عالمی راز آلود سروکار دارد و برای بیان حقایق آن عالم داستانی می سازد که برای مردم عادی کاملاً نامفهوم است و فقط برای خواص قابل درک است. مانند برخی داستانهای ادبیات صوفیانه، مانند داستان های منطق الطیر عطار و داستان هایی در این زمینه» (ملکی و همکاران، ۱۳۹۹: ۸۱). در نهایت، آخرین تقسیم بندی تمثیل نوع ادبی، تمثیل رویاست، که یکی از ابزارهای ادبی و فلسفی است و به بررسی نکات عمیق تر زندگی و انسانیت می پردازد. در این نوع تمثیل، رویاها به عنوان یک عنصر کلیدی برای انتقال پیام های اخلاقی و اجتماعی استفاده می شوند، که کارکردهایی در آن به شکل قراردادی تکرار می شوند. در این روایت ها

رهرو برانگیخته می‌شود تا با سفر در عالمی رویاگون به حقیقتی دست یابد و روحانی راهنمایی سالک را همراهی می‌کند و در نهایت داستان رهرو آموخته می‌شود به جهان بیداری باز می‌گردد و داستانش را برای مخاطبان روایت می‌کند» (فرهودی پور، ۱۳۹۳: ۱۲۵۳). بنابراین تمثیل رویا به عنوان یک ابزار بیانی، به انسان اجازه می‌دهد تا به دنیای ناخودآگاه و احساسات عمیق‌تری که ممکن است در زندگی روزمره به آن‌ها توجه نشود، نزدیک کند. در حقیقت این نوع تمثیل «روایتی تمثیلی از سفری روحانی در عالم خواب و رویا است. مانند سیر العباد الی المعاد سنایی» (ملکی و همکاران، ۱۳۹۹: ۸۱).

ویژگی‌های تمثیل

تمثیل یکی از روش‌های مهم و پرکاربرد در ادبیات و هنر است که با استفاده از نمادها و نشانه‌ها، معانی و پیام‌های عمیق‌تری را انتقال می‌دهد و دارای ویژگی‌هایی است که در ادبیات فارسی ارزش و عمق خاصی دارد و به عنوان ابزاری موثر در انتقال مفاهیم و آموزش به شمار می‌آید. ویژگی‌های تمثیل باعث می‌شود که این ابزار، شکل موثری از بیان برای انتقال پیام‌های عمیق و ارزشمند باشد. از جمله ویژگی‌های تمثیل عبارتند از: «برای برانگیختن مخاطب به انجام کاری که پسندیده است و مقبولیت عام دارد به کار می‌رود. یک عقیده با باور عامیانه در ذهن مخاطب خویش و بیان مقصود ذهنی شاعر را مجسم می‌کند. جهت اثبات یک حکم یعنی شاعر برای اثبات حکم یک تمثیل را در بیت به کار می‌برد. و در آخر، شاعر تمثیل را به گونه‌ای به کار می‌برد که از مخاطب خویش انجام کاری را طلب می‌کند تا مقصودش را بیان کند» (فتوحی، ۱۳۸۱: ۱۴۴). همان‌گونه که پیش‌تر اشاره گردید تمثیل و انواع آن یکی از ابزارهای مهم بیانی شعرا و نویسندگان در دوره‌های مختلف ادبیات فارسی و به طور خاص دوران معاصر بوده است. «در هر برهه زمانی بنابر مقتضیات آن دوره شاعران و ادیبان به گونه‌ای از این نوع ادبی در بیان تمثیلات تعلیمی و اخلاقی بهره‌جسته‌اند» (مطوری و پاکدل، ۱۳۹۸: ۱۲). بنابراین می‌توان چنین گفت که تمثیل در اشعار معاصر فارسی زبان، به‌ویژه در اشعار شاعران معاصر ایرانی، به شکل‌های مختلفی به کار می‌رود. شاعران معاصر مانند اخوان ثالث، نیما، فروغ فرخزاد، مشیری و دیگران از تمثیل‌ها برای انتقال مفاهیم عمیق و پیچیده استفاده می‌کنند. این شاعران با بهره‌گیری از تخیل و خلاقیت، از تمثیل‌ها برای بیان تجربیات انسانی، احوال روحی و اجتماعی و مسائل فلسفی استفاده کرده‌اند. «گفتنی است هر زمانی که شاعر یا نویسنده‌ای تمایل داشته باشد حرف‌هایش را در قالب نماد و نشانه به زبان بیاورد و عناصر و اشیا اطرافش را با مضامینی عمیق‌تر از آنچه هست تجسم کند، از تمثیل سود جسته است. تمثیل گرای راهی برای آشکار کردن

پلیدی ها، ظلم ها، خفقان حاکم بر جامعه است» (مطوری و پاکدل، ۱۳۹۸: ۲۱). یکی از روش‌های قدیمی و مؤثر برای انتقال پیام‌های اخلاقی، اجتماعی و سیاسی استفاده شاعران و نویسندگان از نقش تمثیلی حیوانات بوده است. این روش، آشنایی و ارتباط عاطفی مخاطبان با حیوانات را به نفع خود بهره‌برداری می‌کند و به نویسندگان و شاعران امکان می‌دهد به سبک ساده و در عین حال عمیق، مسائل پیچیده را بیان کنند. «حیوانات با ایفای نقش تمثیلی و نمادین غیر از اینکه موجب غنای محتوا و جذابیت داستان‌ها می‌شوند، برای شاعران و نویسندگان نیز فرصتی پیش می‌آید که از رویکرد تمثیلی نقش آنها بیشتر برای تحقق اهداف تعلیمی و اخلاقی بهره‌مند شوند» (عباس زاده و جباری، ۱۳۹۴: ۱۱۱). یکی از حیواناتی که در اشعار برخی از شاعران به چشم می‌خورد، گرگ است.

گرگ و تمثیل آن

جایگاه گرگ در ادبیات فارسی محصول اندیشه‌های شاعران و نویسندگان است. گرگ در ادبیات معاصر به‌عنوان تمثیلی عمیق و چندبعدی با معانی مختلفی در آثار ادبی، داستان‌ها و شعرها مورد استفاده قرار می‌گیرد. گرگ در ادبیات معاصر نه‌تنها به‌عنوان یک موجود وحشی، بلکه به‌عنوان نمادی از چالش‌های انسانی و اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد. «گرگ در اسطوره‌های برخی از ملل جهان جایگاه ویژه‌ای دارد؛ گرگ از حیواناتی است که در میان قبایل ساکن در ارمنستان و ارمنی‌های بدوی مورد پرستش قرار گرفته است، دلیل این جایگاه ویژه را می‌توان در زندگی واقعی گرگ‌ها و حضور آنها از زمان‌های بسیار دور در کنار زیستگاه‌های انسان‌ها جست و جو کرد» (محمد نژاد عالی زمینی و همکاران، ۱۴۰۱: ۶۴). در استفاده از تمثیل گرگ در داستان‌ها، مهم است که به زمینه و پیام خاص داستان توجه شود تا بتوان از تمثیل گرایی به‌طور مؤثر استفاده نمود. گرگ‌ها به‌دلیل رفتارهای اجتماعی و پیچیدگی‌های زندگی‌شان، جذاب و رمزآلود هستند. در بسیاری از داستان‌های فانتزی، گرگ‌ها به‌عنوان موجوداتی جادویی یا رازآلود ظاهر می‌شوند. از این رو «در ادب فارسی مظهر درندگی و بی‌رحمی، حرص ورزی، بی‌احتیاطی و نادانی بوده است. در برخی از داستان‌ها نیز به‌عنوان موجودی اهریمنی با خوی درندگی نمود یافته است» (عباس زاده و جباری، ۱۳۹۴: ۱۲۷). این خصوصیات گرگ‌ها باعث شده که در همه جای جهان گسترده شوند. در داستان‌ها، گرگ معمولاً تمثیل‌های مختلفی را به همراه دارد. در زیر به برخی از این تمثیل‌ها اشاره می‌شود؛ گرگ به‌عنوان یک شکارچی قهار و خطرناک در نظر گرفته می‌شود که می‌تواند به‌عنوان تمثیلی از تهدید و خطر در داستان‌ها به کار رود. در برخی فرهنگ‌ها، گرگ تمثیلی از تکامل و رشد است؛ زیرا در دنیای وحشی،

گرگ‌ها به صورت گروهی زندگی می‌کنند و توانایی سازگاری با محیط‌های مختلف را دارند. گرگ‌ها موجوداتی آزاد و مستقل هستند که به خوبی می‌توانند در طبیعت خود به شکار بپردازند و زنده بمانند. به همین دلیل، در برخی داستان‌ها، گرگ‌ها به عنوان نماد آزادی و خودکفایی به کار می‌روند. در برخی از داستان‌ها و فرهنگ‌ها، گرگ به عنوان تمثیل حکمت و درایت معرفی می‌شود. این به خاطر رفتار هوشمندانه و توانایی گرگ در مدیریت گروه و بقا در شرایط سخت است. گرگ‌ها معمولاً در شب به شکار می‌روند، بنابراین در داستان‌ها می‌توانند به عنوان تمثیلی از شب، تاریکی، و دنیای ناپیدا معرفی شوند.

مهدی اخوان ثالث و کاربرد تمثیل در اشعار او

مهدی اخوان ثالث، یکی از برجسته‌ترین شاعران معاصر ایران، به ویژه در حوزه شعر نو و نیمایی شناخته می‌شود. اشعار او معمولاً با مضامین اجتماعی، فلسفی، و تاریخی سرشار است و او توانسته است ترکیبی منحصر به فرد از زبان کهن و نوین فارسی ایجاد کند. اخوان ثالث به عنوان یک شاعر معاصر، تأثیر بزرگی بر ادبیات فارسی گذاشته و آثارش تا به امروز مایه الهام برای شاعران و نویسندگان جوان است. «وی شاگرد وفادار نیما یوشیج و یکی از مهمترین ارکان شعر نو فارسی است که پس از نیما خالق مهمترین آثار شعری معاصر است اخوان از لحاظ سبک ادبی ویژگی‌های زبانی ساختار تلمیح گونه و مضامین ادیان قبل از اسلام شاعری پیشتاز و نوآور بود» (خراسانی، ۱۳۹۲: ۵). شعرهای اخوان ثالث، با نام اصلی مهدی اخوان ثالث، به خاطر استفاده خلاقانه از تمثیل و تصاویر شاعرانه مشهور هستند. سبک شعری او در آوردن تمثیل به ویژگی‌های خاصی شناخته می‌شود، اخوان ثالث غالباً از عناصر طبیعت و زندگی عادی برای ساخت تمثیل‌های خود بهره می‌برد. او از مناظر طبیعی، حیوانات و عناصر روزمره برای بیان مفاهیم عمیق و فلسفی استفاده می‌کند. این تمثیل‌ها به خواننده این امکان را می‌دهند که مفاهیم پیچیده را به شکلی ملموس و ساده درک کند. «اخوان نیز همچون سهراب در سروده‌های نیمایی خویش یا رو روی آوردن به زبان و بیانی تمثیلی مسائل اجتماعی و انسانی جامعه زمان خود را از رهگذر تمثیل، گزارش می‌کند. بن مایه حرمان و پاس از جمله مواردی است که در اغلب اشعار اخوان خصوصاً در شعر زمستان نمود پررنگی دارد» (مطوری و پاکدل، ۱۳۹۸: ۱۸). در شعرهای اخوان ثالث، تمثیل‌ها به گونه‌ای طراحی شده‌اند که با عواطف و تفکرات شاعرانه ترکیب می‌شوند. این امر به تمثیل‌ها عمق و انسجام بیشتری می‌بخشد و به خواننده این امکان را می‌دهد که علاوه بر دریافت پیام‌های اخلاقی، با احساسات و اندیشه‌های شاعر نیز ارتباط

برقرار کند. اخوان ثالث تمثیل‌های خود را به گونه‌ای طراحی می‌کند که بازتابی از بحران‌ها و مشکلات اجتماعی و فردی باشد. او از این طریق به نقد اجتماعی و تحلیل وضعیت‌های پیچیده جامعه می‌پردازد و از تمثیل برای نشان دادن تناقضات و تضادهای اجتماعی استفاده می‌کند. استفاده از تمثیل در شعرهای اخوان ثالث معمولاً با سادگی و قدرت بیانی همراه است. این ویژگی به او کمک می‌کند تا مفاهیم پیچیده را به شکلی واضح و قابل فهم بیان کند، در حالی که هنوز هم جنبه‌های عاطفی و فلسفی را در شعرهایش حفظ می‌کند. سبک شعری اخوان ثالث در آوردن تمثیل به او این امکان را داده است که از طریق تصویرسازی‌های قوی و مفاهیم عمیق، تاثیرگذاری خاصی در شعر فارسی داشته باشد. وی به‌طور مکرر از تمثیل‌ها در اشعار خود بهره برده است. گرگ، به عنوان یک تمثیل، در آثار او به شیوه‌های مختلفی ظاهر می‌شود. این حیوان تمثیلی در اشعار اخوان ثالث معمولاً به عنوان نماینده‌ی فساد، ظلم و بی‌عدالتی اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در ادامه، به چند نمونه از اشعار تمثیلی اخوان ثالث که به نوعی به گرگ اشاره دارند، پرداخته می‌شود:

سگها و گرگها

زمین سرد است و برف آلوده و تر / هواتاریک و توفان خشمگین است / کشد - مانند گرگان - باد ،
زوزه / ولی ما نیکبختان را چه باک است ؟ / بنوش ای برف ! گلگون شو ، برافروز / که این خون ، خون
ما بی خانمانهاست که این خون ، خون گرگان گرسنه ست که این خون ، خون فرزندان صحراست /
درین سرما، گرسنه، زخم خورده، دویم آسیمه سر بر برف چون باد / ولیکن عزت آزادگی را / نگاهانیم،
آزادیم، آزاد (اخوان ثالث، ۱۳۳۵: ۶۷-۶۹).

گرگ‌ها در شعر سگها و گرگها، اثر اخوان ثالث، نماد افرادی هستند که به استقلال، آزادی و غرور خود اهمیت می‌دهند. آنان از تسلیم شدن به شرایط و قدرت‌های حاکم خودداری می‌کنند و حتی اگر به هزینه جانشان باشد، برای آرمان‌های خود مبارزه می‌کنند. شاعر در این اثر با بکارگیری نمادهای قوی و پیام‌های عمیق، به نقد اجتماعی و سیاسی زمانه خود پرداخته است. این شعر بازتاب‌دهنده اندیشه‌های نویسنده در مورد مقاومت، آزادی و استقلال است و همواره به عنوان یکی از شاهکارهای ادبیات معاصر ایران مورد توجه بوده است.

گرگ هار

گرگ هاری شده ام / هرزه پوی و دله دو / شب درین دشت زمستان زده ی بی همه چیز / می دوم ، برده ز هر باد گرو / چشمهایم چو دو کانون شرار / صف تاریکی شب را شکند / همه بی رحمی و فرمان فرار / گرگ هاری شده ام / خون مرا ظلمت زهر / کرده چون شعله ی چشم تو سیاه / تو چه آسوده و بی باک خزامی به برم / آه ، می ترسم ، آه... (اخوان ثالث، ۱۳۳۵: ۱۰۸).

اخوان ثالث با تشبیه خود به گرگ هار، شخصیتی را ترسیم می‌کند که دیگر از ظلم و ستم خسته شده و به نقطه انفجار رسیده است. او به فردی تبدیل شده است که نه تنها از وضعیت موجود خسته و عصبی است، بلکه آماده است تا علیه آن مبارزه کند. او خشم و نارضایتی عمیق اجتماعی و فردی را به نمایش می‌گذارد که حاصل بی‌عدالتی‌ها و فشارهای بی‌امان است. این شعر با استفاده از تمثیل قدرتمند گرگ هار، به تحلیل شرایط روانی و اجتماعی جامعه و فرد پرداخته و به تأثیرات مخرب ظلم و ستم اشاره می‌کند. اخوان ثالث با این شعر، مخاطبانش را به تفکر و تأمل در مورد راه‌های مقاومت و مقابله با بی‌عدالتی و تأثیرات آن دعوت می‌کند. او با استفاده از گرگ به عنوان نماد در برخی از اشعارش، به بررسی مشکلات اجتماعی و فردی پرداخته و آن را به شیوه‌ای پیچیده و چندلایه به تصویر کشیده است. این نماد در اشعار او به خوبی نشان‌دهنده‌ی ارتباط میان فضای اجتماعی، فردی و درونی است که در آثار او به طور عمیق و تأثیرگذار بررسی می‌شود.

فروغ فرخزاد و کاربرد تمثیل گرگ در اشعار او

فروغ فرخزاد، شاعر معاصر ایرانی، در اشعار خود از سبک‌های نوین و متفاوتی استفاده کرده است. «مهمترین ویژگی شعر او کاربرد نماد در توصیف دغدغه‌ها و مسائل شخصی و اجتماعی است» (رحمانیان و عدل پرور ، ۱۳۹۹: ۱۱۰). فروغ از تمثیل برای بیان احساسات فردی و زنانگی استفاده می‌کند، استفاده از تمثیل‌ها در شعر او به شیوه‌ای خاص و منحصر به فرد انجام می‌شود که به بررسی و تحلیل مفاهیم عمیق انسانی و اجتماعی کمک می‌کند. «او از جانوران همچون بسیاری از پدیده‌های دیگر بهره گرفته و مفاهیم خود را بر اساس تفکر و اندیشه خاصی که داشت، بیان می‌کرد» (کریمی چمه، ۱۴۰۱: ۱۰).

تمثیل گرگ در اشعار فروغ می‌تواند به تضادهای درونی اشاره کند، جایی که او بین میل به آزادی و فشار اجتماعی کشمکش دارد. این تضادها در آثار او به طرز زیبایی مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین جنبه‌های مختلف انسانی را به تصویر می‌کشد و به خواننده این امکان را می‌دهد که به عمق

احساسات و تجربیات او پی ببرد. این نماد نه تنها به مضامین اجتماعی و سیاسی پرداخته، بلکه به بررسی ابعاد پیچیده روانی و عاطفی فرد نیز اشاره کرده است. «فروغ در مضامین اجتماعی ریاکاری مردم را می‌بیند و آن را درک می‌کند، ولی در باورش نمی‌گنجد، چرا مردم و جامعه این قدر عجیبند؟ او همه اینها را در شعرهایش فریاد می‌کشد، ولی در نهایت بهت و حیران زده به آسمان خیره می‌شود و از او چهره ای نمادین می‌سازد» (رحمانیان و عدل پرور، ۱۳۹۹: ۱۰۹).

سلام ای شب معصوم/ سلام ای شبی که چشم‌های گرگ‌های بیابان را به حفره‌های استخوانی ایمان و اعتماد بدل می‌کنی / و در کنار جویبارهای تو/ ارواح بیدها/ ارواح مهربان تیرها را می‌بویند) فرخزاد، ۱۳۷۵: ۲۶۷). در این شعر گرگ‌های بیابان به عنوان تمثیلی از خطرات، تهدیدات و چالش‌های موجود در زندگی انسان تعبیر می‌شوند. این تصویر به عمق تنهایی و وحشت از دنیای بیرون اشاره دارد که در آن، «گرگ‌ها» نمایانگر موجوداتی هستند که می‌توانند به راحتی به زندگی و آرامش انسان‌ها حمله کنند.

شعر پدرم داد نزن!

گرکسان که به شکم بارگی عادت کردند
گرگها نیز به خونخوارگی عادت کردند!
مومن واقعی آنست که الگو باشد
آن زبان در خور ذکر است که حقگو باشد
(فرخزاد، ۱۳۷۵: ۲۷۰).

گرکس‌ها و گرگ‌ها به عنوان نمادهایی از فساد و بی‌رحمی در جامعه به تصویر کشیده شده‌اند به طور کلی، این بیت در اشعار فروغ فرخزاد به نقد اجتماعی و روانی عمیق پرداخته و نشان‌دهنده چالش‌های انسانی و شرایط بحرانی جامعه است. او با این تمثیل‌ها، به خوانندگان خود این امکان را داده است که به تفکر در مورد رفتارهای اجتماعی و فردی بپردازند.

نیما و تمثیل گرگ در اشعار او

نیما یوشیج، یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین شاعران معاصر ایران در زبان فارسی است. او با ایجاد قالب‌های جدید، ساختار سنتی شعر فارسی را شکسته و آزادی بیشتری به شاعری بخشیده است. وی در شعرهایش از تصویرسازی‌های غنی و سمبولیک بهره می‌برد و احساسات و اندیشه‌های پیچیده را به زیباترین شکل ممکن بیان می‌کند. نیما به مضامینی مثل عدالت اجتماعی، عشق، امید و ناامیدی پرداخته و به عمق احساسات انسانی توجه ویژه‌ای نشان داده است. «وی، بنیانگذار شعر نو نیز از

شگردهای بیانی ارزشمندی در سرودن اشعارش بهره جسته است. نیما در توصیفات خود از صفت و کاربرد آن بهره فراوان برده است و خلاصه گویی را بی فایده می داند (حمیدیان، ۱۳۸۳: ۱۳۸). سروده او نشان می دهد که منظور او از وامبیر استبداد و دیکتاتوری کهن سال و خون آشامی است که بر جامعه حکم فرماست:

و امپیر ایستاده بر زیر بارگاه خود/ بسته بسوی دسته دسته مردم نگاه خود/ فکری دراز می کند/ او از نمای زندگی بندگان/ شاد است/ شاد است از گذشتن خرد و بزرگ/ این نیمه جان شده بستم بی زبان چند/ که می دهند سان/ که در پیش چشم او / که می کنند جان/ تا او جدا از هر غم و زحمت/ خسبد چو مار بر سر گنجینه های خود / شاد است تا ببیند مردم از هول او/ لرزان ایستاده فروبرده سر به جیب/ تا او چو گرگ گرسنه زایشان جود گلو / شاه است از گذشتن صدها اسیرها (نیما یوشیج، ۱۳۹۶: ۱۸۴).

نیما در بخش های آخر این شعر از نماد «گرگ» استفاده کرده است. وی به گرگ به عنوان نماد موجودی بی رحم و گرسنه اشاره می کند که از اعمال خشونت بار و غیر انسانی خود لذت می برد. این تصویر می تواند به نقد قدرت های ستمگر و ظلم هایی اشاره کند که به جامعه وارد می آوردند. تصویرگر گرگ، به نوعی به چالش های انسانی و درونی اشاره دارد. افرادی که در جست و جوی حقیقت و آزادی هستند، با وجود همه سختی ها باید به پیش بروند.

شعر گرگ و بره نیما

«گرگ با بره گفت از روزن/ می شناسی مرا که هستم من؟ /گفت: نه گفت: دوست پدرت / که ... آوردم از ره سفرت / گفت کی؟ گفت بچه بودی تو/ بازی آن وقت می نمودی تو/ گرچه ساده ولی به هشیاری/ گفت بره: «نشانی داری»؟ گفت: «آری» و شد از حرص جلو / چشم های دراز و پشم ولو / دهن باز و پوز خون آلود/ بره در حال از و قرار نمود/ گفت: می ترسم از تو وز سخنت/ بوی خون من آمد از دهنت/ حيله گر هر مهارتی دارد/ در نظرها علامتی دارد» (نیما، ۱۳۹۲: ۱۷۰).

در این شعر نیما به تضاد بین قدرت و ضعف، ظلم و مظلومیت پرداخته است. او همچنین در این شعر از شخصیت های گرگ و بره به عنوان نمادهای ظلم و رنج بهره برده است. نیما در اشعارش با بهره گیری از نماد گرگ، به تحلیل مسائل اجتماعی و فردی پرداخته و تلاش کرده است تا از طریق این نماد، پیام های عمیق تری را به خواننده منتقل کند. نمادگرگ در آثار نیما، به مثابه ابزاری برای نقد و بررسی معضلات اجتماعی و فردی عمل کرده و به تصویر کشیدن تضادها و چالش های مختلف کمک می کند.

فریدون مشیری

یکی از شاعران معاصر ادبیات فارسی که با سرودن شعر نو بیشترین تأثیر را در شعر و ادب فارسی برجای گذاشت، فریدون مشیری بود. فریدون مشیری با آثار خود بر عواطف و اندیشه‌های ایرانیان تأثیر عمیقی گذاشت و همچنان در دل‌های عاشقان شعر جای داشت. «او در سال ۱۳۰۵ در تهران چشم به جهان گشود. دوره ابتدایی و متوسطه را در مشهد و تهران به انجام رسانید و مدتی نیز در رشته ادبیات فارسی در دانشگاه تهران ادامه تحصیل داد» (مشیری، ۱۳۹۲: ۲). در شعر او موضوعاتی مانند عشق، دوستی، تنهایی و اندوه دیده می‌شود. همچنین در اشعارش به زیبایی‌های طبیعت و احساسات آن می‌پردازد. «وی شاعر غزل‌های ساده و بی‌تحرک است. عشق او شکلی قراردادی و ساده دارد، اگر چه اتفاقی نیست گناه آلود نیز نیست» (زرین کوب، ۱۳۵۸: ۱۱۶). مشیری بر بستر طبیعت و زیبایی‌های آن شاعری می‌کند. او از توصیف‌های ظریف و دقیق برای به تصویر کشیدن احساسات خود بهره می‌برد و مناظر طبیعی را به عنوان بیان احساسات انسانی به کار می‌گیرد. «شیوه‌ی شاعری مشیری در تمام ادوار عمرش همان شیوه‌ی تشنه‌ی توفان و گناه دریاست. گویی که گذشت زمان و تغییر اوضاع و احوال و حتی فرا رسیدن پیری تأثیری در رویه و شیوه‌ی شاعری او نداشته است و او در پیری نیز همچنان شاعر ایام شباب است» (پور جافی، ۱۳۸۷: ۱۴۵). فریدون مشیری نه تنها به عنوان شاعر، بلکه به عنوان یک شخصیت فرهنگی و انسانی نیز شناخته می‌شود. اخلاقیات و رفتار او همواره تحت تأثیر نگاه عمیقش به زندگی و انسانیت بوده است. «او شاعری است مهربان و بی‌پیرایه که شعرش آینه‌ی تمام‌نمای احوال و صفات اوست، افکار و اندیشه‌های او سرشار از عاطفه است و برای احساسات و عواطف عاشقانه از زیباترین و دلنشین‌ترین واژه‌ها و اصطلاحات سود می‌برد» (زرقانی، ۱۳۸۴: ۵۱۱۰). شعرهای او نشان‌دهنده صداقت در بیان احساسات و افکار است. او همواره سعی کرده است حقیقی و بی‌پرده با مخاطب خود صحبت کند و از تظاهر دوری کند. تمثیل در اشعار فریدون مشیری نقش مهمی در عمق‌بخشی به مضامین و انتقال احساسات دارد. او با استفاده از تمثیل، تصاویر خیالی و سمبلیک را به کار می‌برد که به خواننده کمک می‌کند تا با درک عمیق‌تری به مفاهیم شعر نزدیک شود. «در شعر او تمثیل‌ها چنان ماهرانه و در عین حال ساده با روح و مفاهیم شعری در هم آمیخته است که گاه حتی خواننده‌ی شعر، احساس نمی‌کند با سروده‌ای تمثیلی مواجه است. از همین رو با وجود بهره‌مندی از آرایه‌های ادبی این امر مزاحم دریافت معنی نمی‌شود. بنابراین شکل استفاده از تمثیل‌ها در شعر مشیری متفاوت است» (امین اسکندری، ۱۳۹۷: ۱۳۴). مشیری با به‌کارگیری تمثیل، تصاویری شفاف و زنده خلق می‌کند. تمثیل‌های او معمولاً چندلایه هستند و می‌توانند معانی

متفاوتی را بسته به دیدگاه خواننده به وجود آورند. این ویژگی باعث می‌شود که اشعارش همواره قابلیت تفسیر و تأمل بیشتری داشته باشند. «از این میان تمثیل‌های به کار رفته در شعر مشیری می‌توان به تمثیل‌های مذهبی و تاریخی و نیز داستانهای تمثیلی با محتوای اخلاقی و انسانی هم چنین تمثیل‌های توصیفی به شکل برداشت‌های تمثیلی کوتاه از صحنه‌های طبیعت، اشاره کرد. در اصل تمثیل در شعر مشیری کمتر به شکل روایی و بیشتر به صورت تشبیه تمثیل و تمثیل‌های کوتاه دیده می‌شود» (همان). او با آثارش نه تنها دنیای شعر را غنی‌تر ساخت، بلکه به عنوان یک انسان ملاحظه‌گر و دلسوز نیز در یادها باقی مانده است. «شعر «گرگ» مجموعه‌ای از دیار آشتی و نیز از زیباترین اشعار تمثیلی مشیری محسوب می‌شود. این گرگ همان نفس گرگ صفت وجود آدمی است» (ملکی و همکاران، ۱۳۹۹: ۹۲).

گفت دانایی که گرگی خیره سر	هست پنهان در نهاد هر بشر
لاجرم جاریست پیکاری سترگ	روز و شب مابین این انسان و گرگ
زور بازو چاره‌ی این گرگ نیست	صاحب اندیشه داند چاره چیست

(مشیری، ۱۳۹۶: ۱۰۷۵/۲-۱۰۷۶).

ابیات مذکور از فریدون مشیری به تمثیل گرگ به عنوان تمثیلی از جنبه‌های منفی و سیاه درون انسان اشاره دارد. در این راستا، گرگ تمثیلی از غریزه‌های حیوانی، خشونت و تمایل به خواسته‌های شخصی و ناهنجاری‌های اخلاقی است. بنابراین «گرگ تمثیلی از درنده خوبی است. نفس اماره نیز در وجود انسان حکم همان گرگ را بازی می‌کند. مشیری در این شعر نبرد بین انسان و گرگ درون را به زیبایی به تصویر کشیده است. او معتقد است؛ آنان که از گرگ درونشان شکست می‌خورند و با آن مدارا می‌کنند کم کم خود، خلق و خوی گرگ پیدا می‌کنند. مشیری معتقد است دلیل دشمنی انسانها با یکدیگر دوستی و همراهی گرگ‌های درونشان است و آشفتگی این دنیای وانفسا به دلیل فرمان‌روایی گرگ‌های درون انسانها است» (ملکی و همکاران، ۱۳۹۹: ۹۲).

مردمان گر یکدگر را می‌درند	گرگ هاشان رهنما و رهبرند
این که انسان هست این سان دردمند	گرگ‌ها فرمان‌روایی می‌کنند
و آن ستمکاران که با هم محرمند	گرگ هاشان آشنایان همند
گرگ‌ها همراه و انسانها غریب	با که باید گفت این حال عجیب

(مشیری، ۱۳۹۶: ۲/۱۰۷۷).

در این ابیات، مشیری با استفاده از تمثیل گرگ، نقدی به وضعیت اجتماعی و سیاسی جامعه انسانی می‌کند. او به تضاد بین قدرت و ضعف، ستمگران و ستمدیدگان، و عدم همبستگی میان انسان‌ها اشاره دارد. این ابیات نمایانگر واقعیتی است که بسیاری از انسان‌ها در جامعه با آن روبه‌رو هستند و تلاش برای درک این وضعیت و پیوند دادن انسان‌ها به یکدیگر را ضروری می‌سازد. « این شعر زیبایی مشیری نیز جزو اشعاری است که به زمان و دوره‌ی خاصی متعلق نیست. به طور کلی می‌توان گفت ویژگی شعر خوب در هر قالب و سبکی این است که بتوان آن را از محدوده‌ی زمان و شرایط خاص به آینده نیز تعمیم داد. به عبارت دیگر یعنی فرازمانی اندیشه‌ی شاعرانه قابل بسط باشد» (شاکری یکتا، ۱۳۸۷: ۲۷۳). مشیری با این ویژگی‌ها، توانسته است تمثیل را به ابزاری مؤثر در بیان مفاهیم عمیق و انسانی در شعرهایش تبدیل کند، وی در اشعار خود به فراوانی از تمثیل‌ها بهره برده است تا مضامین پیچیده انسانی و اجتماعی را به تصویر بکشد. گرگ، به عنوان یک نماد تمثیلی، در اشعار مشیری به کار رفته و معنای خاص خود را دارد. « قوت گرفتن نفسانیات از توجه صرف به خواسته‌های خود و بی تفاوتی نسبت به زندگی و نیازهای دیگران و حالت غیر مولد بودن در شخصیت انسان حاصل می‌شود، برای دستیابی به رضایت درونی و رسیدن به مرحله‌ی کمال انسانی نیز مطمئناً غلبه بر گرگ درون و خواهش‌های نفس الزامی است؛ چرا که با درنده خوبی هرگز نمی‌توان به آرامش رسید» (ملکی و همکاران، ۱۳۹۹: ۹۳). در مجموع، فریدون مشیری با بهره‌گیری از تمثیل گرگ، به بررسی ابعاد مختلف انسانی و اجتماعی پرداخته و با استفاده از این تمثیل، توانسته است مضامین عمیق و پیچیده‌ای را در اشعار خود به تصویر بکشد.

نتیجه‌گیری

در این مقاله به تحلیل جایگاه تمثیلی گرگ در شعر معاصر فارسی از شاعران برجسته‌ای مانند مهدی اخوان ثالث، فریدون مشیری، فروغ فرخزاد و نیما یوشیج پرداخته شده است. هر یک از این شاعران با توجه به سبک خاص خود و شرایط اجتماعی و فرهنگی زمانه‌شان، به گونه‌ای متفاوت از تمثیل گرگ استفاده کرده‌اند و معانی گوناگونی را به آن نسبت داده‌اند. اخوان ثالث که نماینده برجسته شعر حماسی و اجتماعی در ادبیات معاصر ایران است، گرگ را به عنوان تمثیلی از خشونت، ظلم و نابرابری اجتماعی مطرح کرده است. در اشعار او، گرگ غالباً نماینده نیروهای مخرب و سرکوب‌گر است که سعی در نابودی آرمان‌ها و حقوق انسان‌ها دارند. این تمثیل‌ها نشان‌دهنده اعتراض اخوان ثالث به شرایط ناعادلانه اجتماعی و سیاسی زمانه‌اش است. مشیری نیز با نگاهی انسانی‌تر به گرگ می‌نگرد و آن را گاه تمثیلی از تناقض‌های درونی انسان و گاه نماینده شرایط سخت و دشوار زندگی

معرفی می‌کند. اشعار او معمولاً سرشار از احساسات و توصیفات لطیف از زندگی و طبیعت انسانی است. گرگ در شعر او می‌تواند، نماینده ویژگی‌های تاریک و پنهانی انسان باشد که در مواجهه با سختی‌ها و چالش‌های زندگی بروز پیدا می‌کند. یکی دیگر از شاعران ادبیات معاصر که در اشعارش از تمثیل بهره جسته، فروغ فرخزاد است. این شاعر برجسته زن در ادبیات معاصر ایران، از گرگ به عنوان تمثیلی از فشارهای اجتماعی و فردی، به ویژه در موضوعات جنسیتی و زنانه استفاده می‌کند. گرگ در اشعار او معمولاً تمثیلی از چالش‌ها و محدودیت‌هایی است که زنان با آن‌ها مواجه‌اند. این تصویرسازی به فروغ امکان می‌دهد تا مسائل پیچیده و گاه تلخ زنانگی و بحران‌های هویتی را به شیوه‌ای تاثیرگذار بیان کند. و در نهایت نیما یوشیج، به عنوان بنیانگذار شعر نو فارسی، با نوآوری‌های زبان‌شناختی و ساختاری خود، گرگ را به تمثیلی از مبارزه، استقامت و تلاش برای تغییر شرایط بدل کرده است. در اشعار او، گرگ می‌تواند به عنوان یک نیروی مخرب باشد، ولی در عین حال تمثیلی از امید و انگیزه برای تحقق تغییرات اجتماعی و فردی نیز هست. نیما با این تصویرسازی، روحیه مبارزه‌طلبی و ایستادگی در برابر ناملایمات را به شعر معاصر ایران تزریق کرده است. بنابراین می‌توان چنین بیان کرد که گرگ نه فقط یک حیوان وحشی، بلکه تمثیلی چندوجهی و پیچیده در ادبیات معاصر ایران است. از این رو هر شاعر بسته به دیدگاه و رویکرد خود توانسته است از این نماد به شیوه‌ای منحصر به فرد استفاده کند و به آثارش عمق و معنا بدهد. این تنوع در استفاده از تمثیل گرگ نشان‌دهنده غنای فرهنگی و فکری شعر معاصر فارسی است و همین امر باعث شده که آثار این شاعران همچنان مورد توجه و بررسی قرار گرفته شوند.

فهرست منابع و مآخذ

۱. اخوان ثالث، مهدی (۱۳۳۵)، زمستان، انتشارات: زمان.
۲. امین اسکندری، شیوا و احمد خیالی خطیبی، (۱۳۹۷)، نماد و نمادگرایی در شعر فریدون مشیری. فصل نامه مطالعات نقد ادبی. شماره ۴۷. صص: ۱۳۵-۱۱۳.
۳. باقری، زینب و اعظم نیک آبادی، (۱۳۹۳)، بررسی و تحلیل محتوایی شعر فریدون مشیری. همایش گردهمایی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران. دوره برگزاری ۹.
۴. پورچافی، علی حسین (۱۳۸۷)، جریان‌های شعر معاصر فارسی، تهران: مروارید.
۵. حمیدیان، سعید (۱۳۸۳)، داستان دگردیسی روند دگرگونی‌های شعر نیما یوشیج، تهران: نیلوفر.
۶. خراسانی، صائمه (۱۳۹۲)، فرهنگ ایرانی در آثار مهدی اخوان ثالث، با مقدمه قدمعلی سرامی، تهران: ترفند.
۷. دهباشی، علی (۱۳۹۴)، به نرمی باران، ج/۳، تهران: سخن.

۸. رادفر، ابوالقاسم (۱۳۶۸)، فرهنگ بلاغی ادبی، تهران: اطلاعات.
۹. راستگو، محمد (۱۳۸۲)، هنر سخن‌آرایی (من بدیع)، تهران: سمت.
۱۰. رحمانیان، زینب و لیلا عدل‌پرور، (۱۳۹۹)، نمادگرایی در اشعار فروغ فرخزاد، نشریه نقد تحلیل و زیبایی‌شناسی متون، سال سوم، شماره ششم، صص ۹۵-۱۱۲.
۱۱. رضازاده، نیلوفر و شاهرودی، فاطمه (۱۳۹۱)، جستاری بر انواع تمثیل در مثل‌ها و قصه‌های قرآن کریم، معرفت، سال بیست و یکم، شماره ۱۸۰، صص ۵۷-۶۸.
۱۲. رضایی، مریم و اکبر شادمیان ساروکلاهی (۱۳۸۸)، گرگ در منظومه‌های حماسی ایران، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، دوره ۵۲، شماره ۲۱۱، صص ۱۰۵-۱۳۴.
۱۳. زرقانی، مهدی (۱۳۸۳)، چشم‌انداز شعر معاصر ایران، تهران: ثالث.
۱۴. زرینکوب، حمید (۱۳۵۸)، چشم‌انداز شعر نو فارسی، تهران: توس.
۱۵. شاکری یکتا، محمد علی (۱۳۸۷)، آسمانی‌تر از نام خورشید، ج ۱، تهران: ثالث.
۱۶. شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۶)، صور خیال در شعر پارسی، تهران: آگاه.
۱۷. (۱۳۶۶)،، تهران: آگاه، ج سوم.
۱۸. شمیسا، سیروس (۱۳۷۳)، بیان، تهران: فردوس.
۱۹. عباس‌زاده، فاضل و اصبر حبیبی (۱۳۹۹)، بررسی شاخصه‌های حکومت دینی در قصه‌های تمثیلی مثنوی مولوی، فصلنامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بوشهر، شماره چهل و چهارم، صص ۸۹-۱۱۴.
۲۰. و مهدی جباری (۱۳۹۴)، نقش تمثیلی حیوانات در روند داستان‌های شاهنامه، فصل‌نامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بوشهر، شماره پیاپی بیست و ششم، صص ۱۱۱ تا ۱۳۲.
۲۱. فتوحی، محمود (۱۳۸۱)، تمثیل، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم، شماره ۴۷-۴۹.
۲۲. فرخزاد، فروغ (۱۳۷۵)، دیوان اشعار فروغ فرخزاد با مقدمه بهروز جلالی، تهران: مروارید.
۲۳. فروغی، حسن و زینب پرچمی (۱۳۹۷)، نفی بندگی و ستایش آزادگی در مرگ گرگ نوشته وین‌بی و سگ‌ها و گرگ‌ها اثر اخوان ثالث، نشریه: پژوهش ادبیات معاصر جهان، دوره ۲۳، شماره ۲، صفحات ۵۰۹-۵۳۱.
۲۴. فرهودی، فاطمه (۱۳۹۳)، بررسی ساختار روایی تمثیل رویا با تکیه بر رساله الغربه الغریبه سیر العباد الی المعاد والاسراء الی المقام الاسری، دومین همایش ملی ادبیات تطبیقی دانشگاه رازی، ۱۳ شهریور ۱۳۹۳.
۲۵. کرمی چمه، یوسف (۱۴۰۱)، نمود جانوران در شعر فروغ فرخزاد، نقد تحلیل و زیبایی‌شناسی متون، سال پنجم، شماره ۲، پیاپی ۱۶، پاییز ۱۴۰۱.

۲۶. محمد نژاد عالی زمینی، یوسف (۱۴۰۱)، جایگاه و نقش گرگ در شاهنامه فردوسی، متن پژوهی ادبی، دوره ۲۹، شماره ۹۱، بهار ۱۴۰۱، صص ۸۷-۹۱.
۲۷. مشیری، فریدون (۱۳۹۶)، بازتاب نفس صبحدمان، ج ۲، تهران: نشر چشمه، ج ۱۹.
۲۸. (۱۳۹۲)، گزیده اشعار فریدون مشیری، انتشارات: نگاه.
۲۹. مطوری، نازنین و مسعود پاکدل (۱۳۹۸)، نگاهی به تمثیل در شعر نیما اخوان و سهراب، فصل نامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، شماره چهل ام، تابستان ۱۳۹۸، صص ۸-۲۸.
۳۰. ملکی، صفا و همکاران (۱۳۹۹)، واکاوی مؤلفه‌های تمثیلی و نمادین رضایتمندی در اشعار فریدون مشیری از دیدگاه نظریه‌ی شخصیت اریکسون، فصل نامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، شماره چهل و سوم، بهار ۱۳۹۹ - صص ۷۶-۱۰۰.
۳۱. وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۷۹)، بدیع از دیدگاه زیباشناسی، تهران: دوستان.
۳۲. یوشیج، نیما (۱۳۹۶)، دفتر اول از اشعار منتشر نشده نیما، به تصحیح سعید رضوانی و مهدی علیلی مقدم، تهران: فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی.
۳۳. (۱۳۹۲)، گرگ و بره، نشریه بخارا، شماره ۹۴.

- Akhavan Sales, Mehdi (1335), *Zemestān, Enteshārāt: Zamān*.
- Amin Eskandari, Shiva and Ahmad Khiyālī Khatibī (1397), *Namād va Namādgaraī dar Sho`r-e Fereyduṅ Mohshiri. Faslnāme-ye Motālaat-e Naqdi-ye Adabi, Shomāre 47, Sā: 135-113.*
- Bāqeri, Zeynab and Azam Nikābādi (1393), *Barrasi va Tahlil-e Mohāvādī-ye Shor-e Fereyduṅ Mohshiri. Hamāyesh-ye Gardhami-ye Anjoman-e Tavajuh-e Zaban va Adab-e Fārsī Irān, Dore-ye Borzari 9.*
- Pourchāfi, Ali Hossein (1387), *Jaryān-hāye Shor-e Moāser-e Fārsī, Nobat-e Chāp: Aval, Tehran: Morvāred.*
- Hamidian, Saeed (1383), *Dāstān-e Dagerdisī Rāvand-e Dagerguni-hāye Sho`r-e Nima Yushij, Tehran: Niloufar.*
- Khorasani, Sa'imeh (1392), *Farhang-e Irānī dar Asār-e Mehdi Akhavan Sales, ba Moqaddameh Ghadam Ali Serāmi, Tehran: Tarfand.*
- Dehbaashi, Ali (1394), *Beh Narmi-ye Barān, J/3, Theran: Sokhan.*
- Rādfar, Abolqasem (1368), *Farhang-e Balaghi-e Adabi, Tehran: Ettela'at.*
- Rastgo, Mohammad (1382), *Honar-e SokhanĀrāyi (Man Badī), Tehran: Samt.*
- Rahmānian, Zeynab and Leila Adl-parvar (1399), *Namādgaraī dar Ash'ār-e Forugh Farrokhzād, Nashriye-ye Naqdi, Tahlil and Zibāshināsi-ye Moton, Sāl-e Sevm, Shomāre-ye Sheshom, Sā: 95-112.*
- Rezāzādeh, Niloufar and Shahroodi, Fatemeh (1391), *Jostārī bar Anvān-e Tamthīl dar Mothal-hā va Qessehāye Qorān Karim, Ma'arefat, Sāl-e Bīst-o-Yekom, Shumāreh 180, Sā: 57-68.*

- Rezāyi, Maryam and Akbar Shādmīyān Sārūkālayi (1388), *Gorg dar Manzooome-hāye Hamāsī-e Irān*, Nashriye-ye Dāneshkadeh-ye Adabiat va Olūm-e Ensāni Dāneshgāh-e Tabriz, Dore-ye 52, Shomāre 211, Sā: 105-134.
- Zarqāni, Mehdi (1383), *Cheshm-andāz-e Shor-e Moāser-e Irān*, Tehran: Thālith.
- Zarinkoub, Hamid (1358), *Cheshm-andāz-e Sho`r-e No Fārsī*, Tehran: Toos.
- Shākari Yekta, Mohammad Ali (1387), *Āsmāni-tar az Nām-e Khurshid*, J 1, Theran: Thālith.
- Shafīe Kādakani, Mohammad Reza (1396), *Soor-e Khayāl dar Sho`r-e Pārsi*, Tehran: Agah.
-(1396), Tehran: Agah, J Sevvom.
- Shamisā, Sīrous (1373), *Bayān*, Tehran: Firdous.
- Abbaszādeh, Fazil and Asbar Habibi (1399), *Barrasi-ye Shākhs-e Hekumat-e Dini dar Qessehāye Tamthīli-ye Masnavi-ye Molavi, Faslnāme-ye Tahqīqat-e Tamthili dar Zaban va Adab-e Fārsī Dāneshgāh-e Azād Islāmī, Vāhid-e Bushehr*, Shomāre 44, Sā: 89-114.
-and Mehdi Jabāri.(1394), *Naqsh-e Tamthīli-ye Heyvānāt dar Ravand-e Dāstān-hāye Shāhnāme, Faslnāme-ye Tahqīqat-e Ta`limi va Ghanai Zaban va Adab-e Fārsī Dāneshgāh-e Azād Islāmī, Vāhid-e Bushehr*, Shomāre Piyāpi 26, Sā: 111 ta 132.
- Fatoohi, Mahmood (1381), *Tamthīl, Majalle-ye Dāneshkadeh-ye Adabiat va Olūm-e Ensāni Dāneshgāh-e Tarbiyat Moalem*, Shomāreh 47-49.
- Farrokhzād, Forugh (1375), *Divān-e Ash`ār-e Forugh Farrokhzād ba Moqaddameh Behrouz Jalāli*, Tehran: Morvāred.
- Forughī, Hassan and Zeynab Porchami (1397), *Nafī Bandegi va Forughī, Hassan and Zeynab Porchami (1397), Nafī Bandegi va Azādegī dar Marg-e Gorg neveshteh-ye Win Yi va Sag-hā va Gorg-hā Asar-e Akhavan Srālis, Nashriye-ye Pazhoohesh-e Adabiat-e Moasere Jahan*, Dore 23, Shomāre 2, Sā: 509-531.
- Farhudi, Fatemeh (1393), *Barrasi-ye Sakhtār-e Ravāyi-i Tamthīl-e Royā ba Takiye Bar Resāle-ye Al-Ghorba Al-Gharbiyeh, Sir-e `Ibād ilā Ma`ād va Al-Asrā ilā Maqām-e asrī, Dovomin Hamāyesh-e Melli-e Adabiat-e Taqbīqi Dāneshgāh-e Rāzi*, 13 Shahrivar 1393.
- Karami Chameh, Youssef (1401), *Namud-e Janvāran dar Sho`r-e Forugh Farrokhzād, Naqdi, Tahlil va Zibāshināsi-ye Motun, Sāl-e Panjom*, Shomāre 2, Payyā 16, Pāyiz 1401.
- Mohammad Nezhād `Āli Zamini, Youssef (1401), *Jāygāh va Naqsh-e Gorg dar Shahnameh-e Ferdowsi, Matn Pazhoohi-e Adabi*, Dore 29, Shomāre 91, Bahār 1401, Sā: 91-87.
- Mohshiri, Fereydun (1396), *Baztāb-e Nafas-e Sabzīdmān*, J 2, Tehran: Nashr-e Cheshmeh, J 19.
-(1392), *Gozideh Ash`ār-e Fereydun Mohshiri, Enteshārāt: Negāh*.
- Motori, Nazanin and Masoud Pakdal (1398), *Negāhi be Tamthīl dar Sho`r-e Nima Akhavan va Sohrab, Faslnāme-ye Tahqīqat-e Tamthili dar Zaban va Adab-e Fārsī Dāneshgāh-e Azād Islāmī Vāhid-e Bushehr*, Shomāre 40, Tābishtān 1398, Sā: 8-28.
- Maleki, Safā and Hamkārān (1399), *Vākāvi-ye Mo`allefē-hāye Tamthīli va Namādin Rezaitemandī dar Ash`ār-e Fereydun Mohshiri az Didgāh-e Nazariye-ye Shakhsiat-e Erikson, Faslnāme-ye Tahqīqat-e Tamthili dar Zaban va Adab-e Fārsī Dāneshgāh-e Azād Islāmī Vāhid-e Bushehr*, Shomāre 43, Bahār 1399 – Sā: 76-100.
- Vahidiān Kāmiyār, Taqi (1379), *Badi` az Didgāh-e Zibāshināsi*, Tehran: Doostān.

Yushij, Nima (1396), Daftar-e Avval az Ash'ār-e Montasher Nashodeh-ye Nima, be Tashīh Saeed Rezvani va Mehdi Aliliyi Moghaddam, Tehran: Farhangstān-e Zaban va Adabiyat-e Fārsī.
..... (1392), Gorg va Barreh, Nashriye-ye Bokhārā, Shomāre 94.